

مجلة علمي-تحقيقي بين المللي ديوان

ديوان نړيوال علمي-خپرنيز ژورنال

مجلة ديوان الدولية للبحوث العلمية

DIWAN Uluslararası Bilimsel Araştırma Dergisi DİWAN
International Scientific and Research Journal

ISSN: 2706-6428 E-ISSN: 2707-7462

دوره ۵؛ شماره ۲؛ تابستان و خزان ۱۴۰۳

Volume 5th; Issue 2nd; Summer & Fall 2024

عوامل فقر در افغانستان از دیدگاه قرآن و سنت

أسباب الفقر في أفغانستان من منظور الكتاب و السنة

Factors of Poverty In Afghanistan From The Perspective of The Quran and Sunnah

Kur'an ve Sünnet Açısından Afganistan'daki Yoksulluğun Faktörleri

Doi: <https://doi.org/10.69892/Diwan.525>مير رفيع الله منيب^۱

Makale Bilgisi / Article Information

Makalenin Türü/Article Type: Araştırma makalesi/Resarch Article

Geliş Tarihi / Received Date:

03.04.2024

Kabul Tarihi / Accepted Date:

12.05.2024

معلومات مقاله / بيانات المقال

نوع مقاله / نوع المقالة: تحقيقي / البحثي

تاریخ دریافت مقاله / تاریخ استلام المقال:

تاریخ پذیرش مقاله / تاریخ قبول المقال:

Bu makale, Turnitin yazılımınca taranmıştır. İntihal tespit edilmemiştir

This article has been scanned by Turnitin. No

Plagiarism Detected.

این مقاله توسط نرم افزار تورنیتین Turnitin بررسی شده

Plagiarism یا سرقت ادبی تثبیت نگردید.

قد خضع المقال لبرنامج فحص الانتحال Turnitin و لم

يثبت انه من السرقات الادبية

نحوه ارجاع دهی از این مقاله درپاورقی:

میر رفیع الله منیب، "عوامل فقر در افغانستان از دیدگاه قرآن و سنت"، *مجلة ديوان* ۲/۵ (سرطان ۱۴۰۳)، ۸۱-۹۹.

Atıf:

Mir Rafiullah Munib, "Kur'an ve Sünnet Açısından Afganistan'daki Yoksulluğun Faktörleri", *Diwan Dergisi* 5/2 (Temmuz 2024), 81-99.^۱. پوهنمل، دكتور، عضو كادر علمي ديارتمنت تفسير و علوم قرآن پوهنځي شرعيات پوهنتون كابل.

چکیده

کلمات کلیدی:
فقر، عوامل معنوی،
افغانستان، قرآن، سنت.

آفریدگار دانا، توانا و حکیم، رزق و نعمت‌های متنوعی را برای مخلوقات خویش فراهم کرده است که حد و مرز آن به عواملی بستگی دارد، نعمت اولیه برای همه فراهم شده است و این آدمی است که با افکار و عملکردهای خودش، چیزی را برای خود تأمین می‌کند و یا اسباب از دست دادن آن را فراهم می‌سازد، این عوامل برخی مادی و برخی معنوی هستند. فقر از چالش‌های بزرگ مردم ما به شمار می‌آید که بنابر اهمیت فوق‌العاده زودن آن، هم حکومت و هم دانشمندان همواره برای دریافت عوامل و سپس راه حل آن، اندیشیده‌اند و می‌اندیشند. این فقر از نظر مادی نتیجه طبیعی جنگ‌های تحمیلی، عدم ثبات اقتصادی و فقدان برنامه منسجم برای کاهش آن می‌باشد که تا اکنون ما با آن روبه‌رو هستیم. در این مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی در قالب کتابخانه‌ای به عوامل معنوی فقر در افغانستان به هدف شناسایی این عوامل و سپس پیدا کردن راه‌های کاهش آن پرداخته شده است. نتایج و یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که این عوامل یا در ارتباط انسان با خدا و یا با هموعان و یا مربوط به افکار و عملکرد انسان در مورد خودش هستند که به فطری و بشری قابل تقسیم است و مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: تفاوت فطری بین بشر، آزمایش الهی، ضعف دینی، معصیت، کفران نعمت، رباخواری، حکم به غیر ما أنزل الله، کسالت و تنبلی، ظلم، عدم توجه به نهادهای دینی فقرزدا، در نظر نگرفتن اصل توازن در عواید و مصارف، نبود برنامه منظم در مورد کاهش فقر، عدم سرمایه‌گذاری بر خرد انسانی، عدم سپردن کار به اهل آن، زاد و ولد بی‌رویه و عدم رعایت صحت و نظافت توسط مردم.

الملخص

الكلمات المفتاحية:
الفقر، أسباب معنوية،
أفغانستان، القرآن، السنة.

لقد أنعم الخالق الرازق ذو القوة المتين لمخلوقاته الرزق والنعمة التي تتوقف حدودها على الأسباب. فالنعمة الأولية متوفرة للجميع، وهذا الإنسان الذي يهيء شيئاً لنفسه بأفكاره وأفعاله، أو يوفر له أسباب فقده وعدمه. بعض هذه العوامل مادية وبعضها روحية. يعد الفقر أحد التحديات الكبرى التي يواجهها شعبنا، ونظراً لأهمية هذه الظاهرة و مكافحتها والقضاء عليها، يفكر كل من رجال الدولة والعلماء في هذه البقعة دائماً لاستئصال جذور الفقر ومن ثم مكافحتها من المجتمع. وهذه الظاهرة المؤلمة هي نتيجة طبيعية للحروب المفروضة و الأهلية التي دامت سنوات عديدة، وعدم الاستقرار الاقتصادي وعدم وجود خطة متماسكة للحد منه الذي نواجهه حتى الآن. ففي هذا البحث المتواضع تمت دراسة عوامل الفقر في أفغانستان باستخدام المنهج الوصفي التحليلي. هذا و تشير نتائج البحث إلى أن هذه الأسباب إما تتعلق بعلاقة الإنسان مع ربه سبحانه وتعالى أو مع بني نوعه من البشر، أو تتعلق بأفكار الإنسان وأفعاله تجاه نفسه. ويمكن تقسيم هذه العوامل إلى فطرية واكتسابية، وأهمها: التفاوت الطبيعي بين البشر، والمحنة الإلهية، وضعف الوازع الديني، والمعاصي، والكفر بنعم الله، والربا، والحكم بغير ما أنزل الله، والكسل، والظلم، وعدم الاهتمام بالمشروع الاقتصادي لمكافحة الفقر، وعدم مراعاة مبدأ التوازن في الدخل والنفقات، وكذلك عدم وجود برنامج منظم للتقليل من حدة الفقر، وعدم الانتكاء على العقل البشري، وعدم تفويض الأعمال إلى أهلها، وأزمة الولادات العشوائية، وعدم العناية بالصحة ونظافة البيئة من قبل الناس في المجتمع.

Abstract

The Almighty Creator has bestowed upon his creatures sustenance and blessings, the limits of which are contingent upon various factors. The primary blessing is available to all, which is human beings securing for themselves through their thoughts and actions, or providing the means for their loss. Some of these factors are material, while others are spiritual. Poverty poses one of the greatest challenges facing our people, and due to its exceptional importance in eradication, both the government and scholars in this land have always contemplated to understand the factors and subsequently finding solutions. This material poverty is a natural consequence of forced wars, economic instability, and the absence of a cohesive plan to address it, which we continue to face until now. In this article, the moral factors of poverty in Afghanistan were discussed using a descriptive-analytical approach. The research results indicate that these factors either relate to the individual's relationship with his Lord Almighty or with his fellow human beings, or they relate to the individual's thoughts and actions towards himself. These factors can be divided into innate and human, the most important of which are: the natural differences among humans, divine tests, religious weakness, sins, ingratitude for Allah's blessings, usury, ruling with other than what Allah has revealed, laziness, injustice, neglect of religious institutions to alleviate poverty, lack of consideration for income and expenditure balance, absence of a regular program to alleviate poverty, lack of investment in human intellect, failure to delegate tasks to their rightful owners, unplanned births, and disregard for health and hygiene by people in society.

Keywords:

Poverty, Spiritual
Factors, Afghanistan,
Quran, Sunnah.

Özet

Her şeyi bilen, üstün ve hikmet sahibi olan Yaratıcı, yaratıklarına, sınırları faktörlere bağlı olan rızıklar ve nimetler vermiştir. Başlangıçtaki nimet herkese açıktır ve düşünceleri ve eylemleriyle kendine bir şeyi güvence altına alan veya ona onu kaybetme fırsatı sağlayan kişidir. Bu faktörlerin bir kısmı maddi, bir kısmı ise manevidir. Hazırlanmak yoksulluk halkımızın karşılaştığı en büyük zorluklardan biridir ve onu ortadan kaldırmanın olağanüstü önemi göz önüne alındığında, hem hükümet hem de bu toprakların bilim adamları her zaman faktörleri ve ardından çözümünü anlamayı düşünmüş ve düşünmektedir. Bu maddi yoksulluk, zorunlu savaşların, ekonomik istikrarsızlığın ve şu ana kadar karşılaştığımız tutarlı bir plan eksikliğinin doğal sonucudur. Bu makalede Afganistan'daki yoksulluğun ahlaki faktörleri tanımlayıcı analitik yaklaşım kullanılarak tartışılmaktadır. Araştırma sonuçları, bu faktörlerin ya kişinin Rabbiyle ya da diğer insanlarla olan ilişkisiyle ya da kişinin kendisine yönelik düşünce ve davranışlarıyla ilgili olduğunu göstermektedir. Bu faktörleri fitrat ve beşer diye ayırabiliriz. Bunlardan en önemlileri şunlardır: İnsanlar arasındaki tabiat farkı, ilahi imtihan, dini zayıflık, günahlar, Allah'ın nimetlerine inanmamak, tefecilik, Allah'ın indirdiğinden başkasıyla hükmetmek, tembellik, adaletsizlik. Yoksulluğun ciddiyetini azaltmaya yönelik dini kurumlara ilginin olmayışı ve dikkate alınmaması Gelir ve giderlerde denge ilkesi, yoksulluğun şiddetini azaltmaya yönelik düzenli bir programın olmayışı, insan aklına yatırım yapılmaması , kişinin ailesine iş vermemesi, rastgele doğumlar ve toplumdaki insanların sağlık ve hijyene yeterince önem vermemesi.

Anahtar Kelimeler:

Yoksulluk, Manevi Faktörler, Afganistan, Kur'an, Sünnet.

مقدمه

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله محمد بن عبدالله وعلى آله وصحبه ومن والاه، أما بعد: فقر از مشکلات اجتماعی بشر از قدیم‌الایام تا اکنون می‌باشد و امروز هستند ملت‌هایی که از تنگدستی رنج می‌برند و علی‌رغم پیشرفت مادی چشمگیر بسا از دولت‌ها، فقر همچنان در حال گسترش است. ملت افغانستان نیز از چند دهه بدینسو با فقر دست و پنجه نرم می‌کند و بعد از روی کار آمدن نظام امارت اسلامی افغانستان در کشور و منجمدسازی پشتوانه پولی افغانستان در بانک‌های خارجی و بسته شدن مؤسسات خارجی و کم‌رنگ شدن کمک‌های جهانی و... این چالش سیر صعودی داشته است. چیزی که قبل از اتخاذ برنامه کاهش فقر، مهم است، شناخت عوامل آن اعم از مادی و معنوی می‌باشد.

به طور عموم تبیین موقف قرآن و سنت در مورد عوامل معنوی فقر در افغانستان است که با روشن شدن آن می‌توان به آسانی دنبال درمان و راه‌های حل کاهش فقر رفت و در نتیجه بتوان در راستای کاهش این پدیده گام‌های مؤثری برداشت. هرچند در مورد عوامل فقر به طور عموم، کتاب‌ها و مقالاتی نوشته شده است، که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. أسباب الفقر ومعالجتها في ضوء السنة النبوية؛ حامد صبار سعید ضاحی (مقاله)؛
۲. الفقر أسبابه وآثاره (حي طارق انموذجا)، خولة غريب فرج (مقاله)؛
۳. علل فردی بروز فقر از منظر قرآن و حدیث (براساس منابع اهل تشیع)، علیرضا رشیدی و دیگران (مقاله)؛
۴. «علل توسعه نیافتگی اقتصادی در افغانستان»؛ ویندا صمیم (مقاله)؛
۵. گزارش وضعیت فقر در افغانستان، وزارت اقتصاد افغانستان (مقاله تحلیل سروی‌های ارزیابی ملی خطر و آسیب پذیری). تا هنوز (طبق فحوص و تتبع نویسنده) کتاب و مقاله‌ای در ژورنال‌های معتبر، تحت عنوان عوامل معنوی فقر از منظر قرآن و سنت با تمرکز بر پدیده فقر در افغانستان (چیزی که ما در پی تحقیق آن هستیم) نوشته نشده است.

دین اسلام در کنار مبارزه با فقر، نسبت به عوامل فقرزا هشدار داده است، در آیات و احادیث متعددی به کار و درآمد حلال فراخوانده است و مال را «قیام زندگی بشر» خوانده و از سپردن آن به دست سفهاء برحذر داشته است «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا»^۱؛ به کم‌خردان اموال تان را تحویل ندهید؛ چرا که خداوند اموال را برایتان قوام زندگی گردانده است.^۲ حضرت محمد صلی الله علیه و سلم دست بالا را بهتر از دست پایین اعلام نموده است: «اليد العليا خير من اليد السفلى»^۳ و در کنار کفر از فقر به الله پناه برده می‌گوید: {اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ؛ يَا اللَّهُ! من از کفر و فقر به تو پناه می‌برم}.^۴ بناءً می‌توان گفت که آثار منفی فقر به امور مادی محدود نمی‌شود؛ بلکه ایمان و اخلاق مردم را نیز تهدید می‌نماید. طبیعی است که جهت مبارزه کامل با همچو پدیده، باید نخست عوامل آن تشخیص شود؛ تا بتوان ب‌ه‌شکل درست روی کاهش آن کار نمود که این مقاله نیز در پی همین هدف می‌باشد.

با توجه به این که کاهش فقر از اولویت‌های ملت و دولت، به‌ویژه اهل علم می‌باشد و از سوی دیگر، معمولاً اکثریت مردم، عوامل مادی فقر را به عنوان عوامل آن می‌شناسند؛ لذا روی آن تا حدی کار شده است، این در حالی است که از منظر قرآن و سنت، در کنار عوامل مادی، یکسری عوامل معنوی برای فقر نیز وجود دارد که بعد از شناخت هر دو نوع عوامل می‌توان در مسیر درمان و کاهش فقر، گام‌های مؤثر علمی برداشت و به نتیجه مطلوب رسید. وما ذلک علی الله بعزیز.

۲. النساء ۵/۴.

۳. ترجمه قرآن کریم، مترجم. مصطفی خرم دل (تهران، نشر احسان، ۱۳۹۴ ه.ش).

۴. أبو عبدالله محمد بن اسماعیل البخاری، الجامع الصحیح، المحقق. محمد زهیر بن ناصر الناصر (بیروت: دار طوق النجاة، ۱۴۲۲ ه.ق)، "زکات"، ۲۴، (۲۲۷۸)؛ مسلم بن حجاج النیشاپوری، صحیح مسلم (بیروت: دار الجیل، ۱۴۱۸ ه.ق)، "زکات" ۹۴ (۱۰۳۳).

۵. أبو بکر أحمد بن الحسین البیهقی، السنن الکبری وفي ذیلہ الجوهر النقی (هند: حیدر آباد، مجلس دائرة المعارف النظامية، ۱۳۴۴ ه.ش)، "الصدقات" ۳۸ (۱۳۵۲۸).

روش تحقیق در این مقاله توصیفی-تحلیلی در قالب کتابخانه‌ای می‌باشد. ابتدا اطلاعات مربوط به عوامل معنوی فقر در افغانستان از منظر قرآن و سنت، جمع‌آوری، سپس توصیف و تبیین و مورد تحلیل قرار می‌گیرد. عوامل فقر در افغانستان از منظر قرآن و سنت کدام‌ها اند؟

الف: مفهوم‌شناسی فقر

کلمه «فقر» نه تنها بدیهی نیست؛ بلکه با توجه به چند بُعدی بودن و تنوع نیازهای انسانی، از مفاهیم پیچیده و دارای تعاریف متعدد و متفاوتی می‌باشد که همگی در نقطه محرومیت، اتفاق نظر وجود دارد. فقر در لغت ضد غنا به معنای احتیاج است. ابن فارس می‌گوید: اصل حروف (الفاء والقاف والراء) دلالت بر گشادگی دلالت می‌کند، خواه اندام باشد یا غیر آن. از همین قبیل است «الفقار = ستون فقرات» که به سبب فاصله‌هایی که بین دانه‌های آن وجود دارد، به آن «فقار» گفته می‌شود. و فقیر هم به همین مناسبت نامگذاری شده است که گویا به سبب ناداری، ستون فقرات وی شکسته است.^۶

۱. تعریف فقر از دیدگاه شریعت

دانشمندان مسلمان فقر را به «عدم اشباع کامل نیازمندی‌های اساسی انسان» معنا کرده اند، که شریعت اسلامی نیازهای اساسی را خوردنی، پوشیدنی و مسکن شمرده است.^۷

فقه‌های مذاهب اربعه اهل سنت، فقر را به شرح زیر تعریف نموده اند:

نزد حنفیه: کسی است که دارایی او کمتر از حد نصاب باشد.^۸

نزد مالکیه: کسی است که مالک قوت یکساله خویش نباشد، خواه مالک چیز دیگر باشد یا نباشد.^۹

نزد شافعیه: کسی است که هیچ مال ندارد.^{۱۰}

نزد حنابله: کسی است که مالک هیچ چیزی نباشد.^{۱۱}

۲. تعریف فقر از دیدگاه علمای اقتصاد: در اصطلاح علم اقتصاد فقیر بر موارد زیر اطلاق می‌گردد:

اول: کسی که از اشباع ضروریات و نیازهای اساسی خویش ناتوان باشد، خواه فرد باشد یا توده‌ای از مردم؛

دوم: فقیر کسی است که مالک هیچ چیزی نباشد و ملت‌های فقیر به ملت‌هایی گفته می‌شود که اکثریت مردمان وی نادر باشند؛

سوم: کسی که آن شخص احساس کند سطح زندگی اش از سطح زندگی سایر افراد یا ملت‌های دیگر پایین‌تر است.^{۱۲}

۱.۲. **زیر خط فقر:** به کسانی اطلاق می‌گردد که قادر به فراهم نمودن نیازهای اساسی خود، که سلامت جسم و تغذیه مناسب است، نباشند.

با توجه به تفاوت سطح رفاهی افراد و جوامع، می‌توان گفت که خط فقر نیز زیر مجموعه‌هایی دارد که می‌توان از آن‌ها به شرح زیر نام برد:

۲.۲. **فقر خشن:** پایین‌ترین رده‌های درآمدی یک جامعه را شامل می‌شود و هنگامی کاربرد دارد که معیارهای خط فقر نسبی و حتی فقر مطلق پاسخگو نباشد.

۳.۲. **فقر مطلق:** افرادی زیر خط فقر مطلق قرار دارند که توانایی تأمین حداقل نیازهای اساسی خود را ندارند و به‌طور مطلق فقیر محسوب می‌شوند.

۶. ابن فارس أحمد، معجم مقاییس اللغة، المحقق: عبد السلام محمد هارون (بیروت: دار الفکر، ۱۳۹۹ ه.ش)، ۴/۴۴۳.

۷. أبو حمده رضا صاحب، الخطوط الكبرى في الاقتصاد الإسلامي (عمان: دار مجدالوي، ۱۴۱۶ ه.ق)، ۵۰.

۸. الجزيري عبد الرحمن، الفقه على المذاهب الأربعة (بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۴ ه.ق)، ۱/۵۶۲.

۹. الجزيري، الفقه على المذاهب الأربعة، ۵۶۲/۱.

۱۰. الجزيري، الفقه على المذاهب الأربعة، ۵۶۲/۱.

۱۱. الجزيري، الفقه على المذاهب الأربعة، ۵۶۲/۱.

۱۲. مصطفى بوشامة مولود حواس، "معالجة مشكلة الفقر من منظور الاقتصاد الإسلامي"، المجلة الجزائرية للعلوم والسياسات الاقتصادية ۱ (۲۰۱۰ م)، ۱۷۶.

۴.۲. **خط فقر نسبی:** عموماً فیصدی معینی از میانه (آمار) توزیع عاید (هزینه) جامعه در نظر گرفته می‌شود و افرادی که عاید آن‌ها پایین‌تر از این سطح قرار می‌گیرد، فقیر محسوب می‌شوند. افرادی که زیر این خط فقر قرار می‌گیرند، فقیر مطلق نیستند؛ بلکه در مقایسه با دیگران فقیر محسوب می‌شوند.

برای ارزیابی فقر بهتر است فقر مطلق مبنا قرار بگیرد، چراکه فقر نسبی بیشتر با توزیع نابرابر درآمد مرتبط است. طبقه‌بندی‌های متعدد و گوناگون دیگری (مانند سطوح پردرآمد یا خط کفاف به معنی حد میانی بین اغنیا و فقرا) نیز در این رابطه وجود دارند.^{۱۳}

۵.۲. **تعریف راجح فقیر:** با توجه با معنای اصلی کلمه فقیر، می‌توان گفت که راجح‌ترین تعریف این است: کسی که توان اشباع نمودن نیازمندی‌های اساسی خویش را نداشته باشد، آن فقیر محسوب می‌گردد. تعریف زیر خط فقر با توجه به تولید ناخالص هر کشور متفاوت سنجیده می‌شود.^{۱۴} بنابراین فقیر افغانی با توجه به درآمد یومیه آن با فقیر مردم ایالات متحده امریکا و سویس با توجه به درآمد یومیه و تولید ناخالص آنان، متفاوت است.

ب: عوامل فقر در افغانستان از دیدگاه قرآن و سنت

فقر به عنوان پدیده‌ی عام اجتماعی در افغانستان، معلول عوامل مادی و معنوی می‌باشد که از عوامل بزرگ مادی می‌توان از جنگ‌های تحمیلی و پیامدهای آن نام برد. از این که مورد بحث ما فقط عوامل معنوی است، لذا به گونه‌ی مختصر به عوامل مهم معنوی فقر در افغانستان از منظر قرآن و سنت پرداخته می‌شود.

از نظر مکتب اقتصادی اسلام، علل فراوانی موجب فقر می‌شود که به عوامل خلقی و اخلاقی (فطری و بشری) دسته‌بندی می‌شود و اینک مهم‌ترین آن‌ها به شرح زیر ذکر می‌گردد:

۱. عوامل فطری: مهم‌ترین عوامل فطری یا ربّانی، دو عامل می‌باشند که ذیلاً ذکر می‌گردد:

۱.۱. **تفاوت بین بشر:** منظور تفاوتی است که در تقسیمات رزق از سوی رزاق عالم صورت گرفته است و در نتیجه آن در این راستا بین بشر تفاوتی وجود دارد که مهم‌ترین فلسفه وجودی آن، قوام دنیا و تلاش برای آبادانی و تنظیم امور مردم دنیا است «نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا»؛^{۱۵} این ماییم که معیشت آنان را در زندگی دنیا میان‌شان تقسیم کرده ایم. و برخی را بر برخی دیگر برتری‌هایی داده ایم، تا بعضی از آنان بعضی دیگر را به کار گیرند. و «وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ»؛^{۱۶} خداوند برخی از شما را بر برخی دیگر از نظر روزی برتری داده است. پروردگار متعال در آیه: «لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا» به حکمت تفاوت در رزق و قوت و ضعف بندگان اشاره نموده است. بناءً این آیات و آیات مشابه آن بر این دلالت دارد که تفاوت در ارزاق و قوت و ضعف بندگان، از سنن الهی است که طبق مفاد آیات دیگر، تغییر ناپذیر می‌باشد. «فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا».^{۱۷}

این که برخی به بهانه‌های مختلف، دیگران را مورد استثمار قرار می‌دهند و بر آنان ستم روا می‌دارند، کاریست ناروا که خداوند آنرا به سزای اعمالش می‌رساند. «إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا...»؛^{۱۸} اگر کسی دارا یا نادار باشد، خداوند سزاوارتر است که از آن‌ها حمایت کند، پس از هوا و هوس پیروی نکنید که منحرف می‌گردید...^{۱۹}

^{۱۳}. حسین راغفر و زهرا ابراهیمی، "فقر در ایران طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۶۸ ه. ش"، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی ۲۴/۶ (سال ۱۳۸۶ ه. ش)، ۵۵.

^{۱۴}. شافعی محمد زکی، التنمية الاقتصادية (قاهرة: دار النهضة العربية، ۱۹۹۸ م)، ۵۰؛ بوشامه و حواس، معالجة مشكلة الفقر من منظور الاقتصاد الإسلامي، ۱۷۶.

^{۱۵}. الزخرف ۳۲/۴۳.

^{۱۶}. النحل ۷۱/۱۶.

^{۱۷}. الفاطر ۴۳/۳۵.

^{۱۸}. النساء ۱۳۵/۴.

^{۱۹}. الشنقيطي محمد الأمين، أضواء البيان في إيضاح القرآن بالقرآن (بيروت: دار الفكر، ۱۴۱۵ ه. ق)، ۱۱۵/۷.

مردم عزیز کشور ما به عنوان جزئی از پیکره امت اسلامی و جهان بشریت، مشمول مورد فوق می‌باشند. یعنی یکی از عوامل فقر مردم ما، تقسیمات رزق براساس مشیت الهی می‌باشد.

۲.۱. **آزمایش الهی:** خداوند متعال با تفاوت آوردن در ارزاق انسان‌ها، آنان را می‌آزماید؛ تا بنده سپاسگزار از ناسپاس و صادق از کاذب آشکار گردد؛ لذا ثروتمند به وسیله فقیر و فقیر به وسیله غنی مورد آزمایش قرار می‌گیرد. به این گونه که آیا غنی در برابر نعمات الهی، شکر ادا می‌کند یا خیر و آیا از آن مال الهی در مسیر کسب خوشنودی خداوند انفاق می‌کند یا خیر؟ در صورتی که وی در این ابتلا موفق به در آمده و نعمات بر او افزون می‌گردد: ﴿وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾^{۲۰} و (به یاد آورید) آن زمان را که پروردگارتان مؤکدانه اعلام کرد که اگر سپاسگزاری کردید، هر آینه (نعمت‌های خود را) برایتان افزایش می‌دهم، و اگر کافر (و ناسپاس) شدید (بدانید که) بی گمان عذاب من بسیار سخت است.

فقیر آیا در این آزمایش از شکیبایی کار می‌گیرد و بر آنچه که دارد، سپاسگزاری می‌کند یا خیر و آیا در برابر غنی از حسد کار می‌گیرد یا خیر و آیا در برابر سختی‌ها تنگدل می‌شود و جزع و فزع می‌کند یا خیر؟ در صورتی که فقیر در این آزمایش کامیاب شود، هم مستحق پاداش می‌گردد و هم در وضعیت او تغییر مثبت رونما خواهد شد.

یکی از آزمایش‌ها، نقص اموال است: ﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ...﴾^{۲۱}؛ و قطعاً شما را با برخی از ترس و گرسنگی و زیان مالی و جانی و کمبود میوه‌ها، آزمایش می‌کنیم.

خداوند متعال براساس خبیر و بصیر بودن خویش، به بندگانش آنچه را می‌دهد و یا منع می‌کند که صلاح شان در آن نهفته است، طوری که می‌فرماید: ﴿وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ نُّزِّلَ بِقَدَرٍ مَّا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ﴾^{۲۲}؛ اگر خداوند رزق را برای همه بندگانش (بدان گونه که خودشان می‌خواهند) توسعه و گسترش دهد، قطعاً در زمین سرکشی و ستمگری می‌کنند، لذا بدان اندازه که خود می‌خواهد روزی را می‌رساند. چرا که او بندگانش را می‌بیند و با (اوضاع و احوال) ایشان کاملاً آشنا است.

این که برخی حقایق فوق را درک نمی‌کنند و در نتیجه اعتراض می‌کنند، می‌تواند دو سبب داشته باشد:

اول: ثروتمندی را از مصادیق اکرام خداوند و بر عکس فقر را از مصادیق اهانت خداوند برای بنده‌گان‌اش شمردند، در حالی که این پندار اشتباه است و قرآن کریم بر آن رد نموده است: ﴿فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ * وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ﴾^{۲۳}؛ اما انسان همین که پروردگارش او را بیازماید و برای این کار او را بزرگی ببخشد و به او نعمت بدهد، خواهد گفت: پروردگرم مرا گرامی و مکرم دیده است! (و این عزت و نعمت، حق من و شایسته من است). و اما زمانی که پروردگارش او را بیازماید و برای این کار روزی او را تنگ نماید، خواهد گفت: پروردگرم مرا خوار داشته است (و با فقر، حقیرم نموده است).

﴿وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرِّبُكُمْ عِندَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ جِزَاءُ الضُّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرَفَاتِ آمِنُونَ﴾^{۲۴}؛ اموال و اولاد شما چیزهایی نیستند که شما را به ما مقرب سازند؛ بلکه کسانی که ایمان بیاورند و کارهای شایسته بکنند، آنان (مقرب درگاه الهی بوده و) در برابر اعمالی که انجام داده اند پاداش مضاعف دارند و ایشان در طبقات بالا (برترین منازل بهشت) در امن بسر می‌برند.

این در حالی است که در دین، معیار برتری همانا تقوا معرفی شده است و بس: ﴿...إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾^{۲۵}؛ بی گمان گرامی‌ترین شما در نزد خدا متقی‌ترین شما است. خداوند مسلماً دانا و آگاه است.

۲۰. ابراهیم ۷/۱۴.

۲۱. البقرة ۱۵۵/۲.

۲۲. الشوری ۲۷/۴۲.

۲۳. الفجر ۱۶-۱۵/۸۹.

۲۴. السبا ۳۷/۳۴.

۲۵. الحجرات ۱۳/۴۹.

و در حدیثی پیامبر صلی الله علیه و سلم چنین می فرماید: **إِنِّي أَنهَا النَّاسُ، إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ، وَإِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ، أَلَا لَا فَضْلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَيَّ عَجَمِيٍّ، وَلَا لِعَجَمِيٍّ عَلَيَّ عَرَبِيٍّ، وَلَا لِأَحْمَرَ عَلَيَّ أَسْوَدَ، وَلَا لِأَسْوَدَ عَلَيَّ أَحْمَرَ، إِلَّا بِالْقُوَى، إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ؛** ای مردم! آگاه باشید که پروردگار تان یگانه است و پدر شما یکی است، آگاه باشید که هیچ عربی ای بر عجمی برتری ندارد و نه عجمی ای بر عربی ای برتری دارد و نه سرخ پوستی بر سیاه پوست برتری دارد و نه سیاه پوست بر سرخ پوست، به جز به وسیله تقوا.^{۲۶}

دوم: دنیا را یک چیز جدا و نامرتب با آخرت شمردن و در نتیجه باور نداشتن به این که داد مظلوم را از ظالم گرفتن واجب می باشد و... در حالی که دنیا مزرعه آخرت است و انسان هر چه در دنیا بکارد آنرا در آخرت درو می کند؛ لذا از آخرت به عنوان دارالحساب و دارالجزاء نام برده شده است: **﴿أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ * وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾**؛^{۲۷} آیا کسانی که مرتکب گناهان و بدی ها می شوند، گمان می برند که ما آنان را همچون کسانی ب ه شمار می آوریم که ایمان می آورند و کارهای پسندیده و خوب انجام می دهند، و حیات و ممات و دنیا و آخرت شان یکسان می باشد؟ (اگر چنین بیندیشند) چه بد قضاوت می کنند! خداوند آسمان ها و زمین را به حق آفریده است؛ تا هر کسی در برابر کارهایی که انجام می دهد، جزا داده شود، و به انسان ها هیچ گونه ستمی نگردد.

۲. عوامل اخلاقی (بشری)

این که برخی دست به کاری می زنند که از منظر قرآن و سنت، عامل فقر تلقی می شود، بر دیگران نیز سرایت می کند؛ زیرا که بلا و مصیبت و از جمله فقری که در پی آن می آید، دامنگیر همه می شود، طوری که الله متعال می فرماید: **﴿وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾**؛^{۲۸} خویشتن را از بلا و مصیبتی به دور دارید که تنها دامنگیر کسانی نمی گردد که ستم می کنند (بلکه اگر جلو ستمکاران گرفته نشود، خشک و تر به گناه آنان می سوزد) و بدانید که خداوند دارای کیفر شدید است.

از این عوامل به نام عوامل اخلاقی یا بشری یاد می شود که مهم ترین آن ها عبارت اند از عوامل زیر:

۱.۲. ضعف دینی: به این معنا هرگاه رابطه انسان با خداوند متعال ضعیف شود (از جهت ایمان یا تقوا)، انسان از باب چشیدن سزای بذر رفتاری و بد ارتباطی اش با منبع قدرت و رزق و روزی و ثروت، محکوم به محرومیت می شود، طوری که خداوند متعال به این مورد اشاره نموده است: **﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾**؛^{۲۹} اگر مردمان این شهرها و آبادی ها ایمان می آوردند و (از کفر و معاصی) پرهیز می کردند، برکات آسمان و زمین را بر روی آنان می گشودیم؛ ولی آنان به تکذیب پرداختند و ما هم ایشان را به کیفر اعمال شان گرفتار نمودیم.

هرچند آیه فوق در مورد مردمان خاصی نازل شده است؛ اما قاعده معروف است که: **"العبرة بعموم اللفظ لا بخصوص السبب"**.^{۳۰} بنابراین با توجه به اصل فوق و نیز اصل فرازمانی و فرامکانی بودن قرآن، این آیه در حق مردم افغانستان ما نیز قابل تطبیق می باشد که گویا، گاهی بنا بر فاصله گرفتن از دین و ریسمان الهی، دچار ضعف دینی شده و در نتیجه فقر به سراغ مردم ما آمده است.

۲.۲. گناه و معصیت: گناه و نافرمانی در اسلام حرام است و هر کس آنرا انجام دهد گاهی نتیجه تلخ آنرا در دنیا می چشد که یکی از مصادیق آن، محرومیت از رزق و دچار شدن به فقر می باشد؛ طوری که پروردگار متعال می فرماید: **﴿...إِنْ تُصِيبُهُمْ حَسَنَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِكَ قُلْ كُلُّ مَنْ عِنْدَ اللَّهِ فَمَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا﴾** (مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ

^{۲۶}. بیهقی، شعب الإيمان (ریاض: مکتبة الرشد، ۱۴۲۳ هـ ق)، "مناسک"، ۳۴ (۴۷۷۴).

^{۲۷}. الجاثية ۲۱/۴۵-۲۲.

^{۲۸}. الأنفال ۲۵/۸.

^{۲۹}. الأعراف ۹۶/۷.

^{۳۰}. أحمد بن عبد الرحيم المعروف بـ «ولي الله الدهلوي»، الفوز الكبير في أصول التفسير، المحقق. سلمان الحسيني الندوي (قاهرة: دار الصحوة، ۱۴۰۷ هـ ق)، ۱۷۶.

مِنْ سَيِّئَةٍ فَمَنْ نَفْسِكَ...»^{۳۱}؛ اگر خیر و خوبی به ایشان رسد، می گویند: این از سوی خدا است، و اگر بدی به ایشان رسد، می گویند: این از تو است! (به آنان) بگو: همه (آنچه از خوبی و بدی به شما می رسد) از سوی خدا است. این مردمان را چه شده است که سخن نمی فهمند. هر نیکی که تو برسد از ناحیه خدا است و هر بدی بتو برسد از ناحیه خود تو است.

در این آیات هیچ تناقضی وجود ندارد. امام رازی رحمه الله می گوید: هرگاه «سینه و بدی» به معنای بلاء و سختی باشد، پس منسوب به خداوند متعال می شود و اگر به معنای معصیت باشد، پس به بنده نسبت داده می شود»^{۳۲}.

در حدیثی نیز به این موضوع اشاره شده است: «إِنَّ الرَّجُلَ لَيَحْرَمُ الرِّزْقَ بِالذَّنْبِ يُصِيبُهُ، وَلَا يَرُدُّ الْقَدَرَ إِلَّا الدُّعَاءُ، وَلَا يَزِيدُ فِي الْعُمْرِ إِلَّا الْبِرُّ؛ انسان بر اثر گناهی که به او می رسد از روزی محروم می شود و تقدیر را رد نمی کند، جز دعا و جز نیکی بر عمر نمی افزاید»^{۳۳}.
متأسفانه که در اثر جنگ ها و سایر حوادث، چه گناهمانی از مردم ما سرزد! چه خون های ناحقی که ریختانده شد! چه مال های که به گونه باطل خورده شد! و از این قبیل گناهان دیگری که ما مردم مرتکب آنان شدیم و سال های سال است که دچار پیامدهای بد و ناگوار آن، از جمله فقر هستیم.

۳.۲. ناسپاسی در برابر نعمت های الهی: همه به چشم سر می بینیم و با گوش های خویش می شنویم؛ بلکه با تمام وجود خود لمس می کنیم که بسیاری از مردم ما در برابر نعمت های فراوان الهی دچار ناسپاسی شده اند و او را سپاسگزاری نمی کنند، این از نظر قرآن و سنت یکی از عوامل فقر قلمداد شده است: «وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ»^{۳۴}؛ و آن زمان را که پروردگارتان مؤکدانه اعلام کرد که اگر سپاسگزاری کردید، هر آینه (نعمت های خود را) برایتان افزایش می دهم، و اگر کافر (و ناسپاس) شدید (بدانید که) بی گمان عذاب من بسیار سخت است.

بندگان صالح خداوند همواره در برابر نعمت های مادی و معنوی الهی، سپاسگزار بوده اند.

امام مسلم به روایت انس رضی الله عنه، از حضرت خاتم انبیا صلی الله علیه وسلم چنین آورده است که آن حضرت بعد از قرار گرفتن در بستر خواب خویش این دعا را می خواند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَنَا وَسَقَانَنَا، وَكَفَانَنَا وَأَوَانَنَا، فَكَمْ مِمَّنْ لَا كَافِيَ لَهُ وَلَا مُؤْوِي؛ ستایش خدایی را که به ما غذا داد و سیراب کرد و به ما روزی داد و به ما پناه داد چه بسیارند که نه غذای کافی دارند و نه سرپناهی»^{۳۵}.

۴.۲. ربا و سودخواری: ربا در همه شرایع الهی حرام بوده است و در آیات متعدد قرآن کریم با شدت کامل از خوردن آن نهی شده است تا آنجاییکه اقدام به رباخواری، جنگ با خدا و پیامبرش قلمداد شده است. از جمله در آیه به موضوع رابطه فقر (زیاد نشدن مال) با ربا اشاره ای شده است: «وَمَا آتَيْتُمْ مِّن رِّبَا لِيَرْبُوَ فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوَ عِنْدَ اللَّهِ وَمَا آتَيْتُمْ مِّن زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضَعِفُونَ»^{۳۶}؛ آنچه را که به عنوان ربا می دهید؛ تا از اموال مردم فزونی یابد، نزد خدا فزونی نخواهد یافت (بلکه خدا از آن می کاهد و نابودش می نماید)، و آنچه را که به عنوان زکات می پردازید و تنها ذات خدا را منظور نظر می دارید، این گونه کسانی دارای پاداش مضاعف خواهند بود.

در سوره بقره نیز در این مورد آمده است: «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ»^{۳۷}؛ خداوند ربا را نابود می کند و صدقات را فزونی می بخشد، و خداوند هیچ انسان ناسپاس گنهکاری را دوست نمی دارد.

در این مورد روایات زیادی وارد شده است، در این جا به حدیث ذیل بسنده می شود:

۳۱. النساء ۷۸/۴-۷۹.

۳۲. محمد بن عمر الملقب بفخر الدین الرازی، مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر) (بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ هـ)، ۱۴۷/۱۰.

۳۳. احمد بن حنبل، مسند/احمد بن حنبل، المحقق: شعيب أرنؤوط (بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۱ هـ)، "دعاء"، ۳۴ (۲۲۳۸۱).

۳۴. ابراهیم ۷/۱۴.

۳۵. نیشاپوری، صحیح مسلم، "ما یقولہ عند النوم و أخذ المضحج"، ۱۷ (۲۷۱۵).

۳۶. الروم ۳۰/۳۹.

۳۷. البقره ۲/۲۷۶.

این مسعود رضی الله عنه روایت می‌کند که آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرمود: **إِنَّ الرِّبَا وَإِنْ كَثُرَ، فَإِنْ عَاقَبْتَهُ تَصِيرَ إِلَى قُلٍّ؛** دقیقاً ربا هر چند در ظاهر فزونی یاد، بدون شک که انجام آن به سوی کمی حرکت می‌کند.^{۳۸}

متأسفانه از یکسو در اکثر بانک‌ها از سالیان دراز، سیستم ربوی حاکم است و از سوی دیگر در برخی مناطق کشور، سودخواری مروج است که این یکی از عوامل معنوی فقر از منظر قرآن و سنت محسوب می‌گردد.

۵.۲. حکم به غیر ما أنزل الله: هر چند اکثریت نفوس کشور ما را مسلمانان (۹۹٪) تشکیل می‌دهد؛ اما در طول تاریخ از سوی حکومت‌های استبدادی و دست‌نشانده‌های بیگانگان، فیصله‌ها بغیر ما أنزل الله صورت گرفته است که آخرین آن حکومت جمهوری قبل بود.

دریافت برکات الهی از بزرگترین فواید حکم بما أنزل الله است، چرا که برکات شریعت مطهره بی‌شمار است و خداوند تبارک و تعالی خیر دنیا و آخرت را وابسته به اجرای فرمان الهی و پرهیز از نواهی آن قرار داده است.

در مورد حکم بغیر ما أنزل الله در آیات قرآن کریم، سخن به میان آمده است و آنرا مرادف کفر، ظلم و فسق خوانده است.

جالب اینجاست که در روایتی رابطه فقر و حکم بغیر ما أنزل الله بیان شده است، طوری که آمده است: **إِخْمَسَ بِخَمْسٍ قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا**

خَمْسٌ بِخَمْسٍ؟ قَالَ: مَا نَقَضَ قَوْمَ الْعَهْدِ إِلَّا سَلَطَ عَلَيْهِمْ عَدُوَّهُمْ وَمَا حَكَمُوا بِغَيْرِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَّا فَنَشَا فِيهِمُ الْفَقْرَ وَلَا ظَهَرَ فِيهِمُ الْفَاحِشَةُ إِلَّا فَنَشَا فِيهِمُ

الْمَوْتَ وَلَا طَافُوا الْمِكْيَالَ إِلَّا مَنَعُوا النَّبَاتَ وَأَخَذُوا بِالسِّنِينَ وَلَا مَنَعُوا الزَّكَاةَ إِلَّا حَبَسَ عَنْهُمْ الْقَطْرَ؛ پنج چیز در مقابل پنج چیز قرار دارد. گفتند: آن پنج چیز چیست؟ فرمود: هیچ قومی عهدشکنی نکردند؛ مگر اینکه دشمن‌شان بر آنها مسلط شد، و جز به آنچه خدا نازل کرد حکومت نکردند جز

اینکه فقر در میان‌شان شیوع یافت و فحشا در میان‌شان ظاهر نشد مگر اینکه مرگ در میان‌شان شیوع یافت و نه دست به کم دادن حق مردم در

وزن و پیمان زدن؛ مگر اینکه از رویش نباتات محروم شدند و دچار قحطی شدند و زکات را دریغ نکردند مگر اینکه باران از آنها بند کرده شد.^{۳۹}

دقیقاً این نقطه مقابل حکم بما أنزل الله می‌باشد که موجب نزول برکات و فراخی می‌شود، طوری که الله متعال می‌فرماید: **﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا**

التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أَنْزَلْنَا إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكْلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمَنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ...﴾^{۴۰}؛ و اگر آنان به تورات و انجیل و بدانچه که از سوی پروردگارشان

(به نام قرآن) بر آنان نازل شده است عمل بکنند، از بالای سر خود و از زیر پای خود روزی خواهند خورد...

همین‌گونه در برخی روایات رابطه فراخی و اقامه حدود وارد شده است که به نحوی با این بحث ما رابطه دارد: **إِحْدٌ يَعْمَلُ بِهِ فِي الْأَرْضِ، خَيْرٌ**

لِأَهْلِ الْأَرْضِ مِنْ أَنْ يُمَطَّرُوا أَرْبَعِينَ صَبَاحًا؛ حدی که در زمین اجراء شود برای اهل زمین بهتر از باران چهل شبانه‌روز است.^{۴۱}

۶.۲. کسالت و تبلی: اگر عامل فقر کسالت و تبلی خود انسان باشد، پس نزد عقل و شرع امریست مذموم. از لحاظ عقل نباید یک انسان سلیم

الأعضاء بار دوش دیگران قرار بگیرد؛ بلکه هر کس باید در سهم خویش به مسؤولیت‌های خویش عمل کند طوری که در این مورد حدیث

معروفی وجود دارد.^{۴۲}

در حدیث شریف نیز از تبلی به خداوند متعال پناه برده شده است: **﴿اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ﴾**^{۴۳}.

متأسفانه خیلی‌ها در کشور ما، دچار کسالت و تبلی اند و آمادۀ دوش گرفتن مسؤولیت‌های کار و بار و درآمد نیستند. ما می‌بینیم که اقتصاد

خیلی از خانواده‌ها متکی به یک فرد خانواده است و دیگران به بهانه زن بودن، مجرد بودن، متعلم و محصل بودن، نه تنها که از انجام کارهایی که

در توان‌شان است، شانه خالی می‌کنند؛ بلکه همین طیف مردمان با پول و درآمد دیگران، دست به اسراف و تبذیر نیز می‌زنند که این به‌عنوان عامل

فقر در جامعه عرض اندام می‌کند و این کار با توجه به موارد فوق، از دیدگاه اسلام درست نمی‌باشد.

^{۳۸} ابن حنبل، مسند/احمد بن حنبل، "مسند عبد الله بن مسعود"، ۶ (۳۷۵۴).

^{۳۹} سلیمان بن أحمد طبرانی، المعجم الکبیر (عراق، موصل: مکتبة العلوم والحکم، ۱۴۰۴ هـ)، "باب العین"، ۱۱ (۱۰۹۹۲).

^{۴۰} المائدة/۶۶/۵.

^{۴۱} محمد بن یزید ابن ماجه قزوینی، سنن/ابن ماجه (دار إحياء الكتب العربية، بی‌تا)، "الحدود"، ۳ (۲۵۳۸).

^{۴۲} مسلم، "الإمارة"، ۵، ۲۰ (۱۸۲۹).

^{۴۳} مسلم، صحیح مسلم، "التعود"، ۱۸ (۲۷۲۳).

۷.۲. **ظلم و تعدی یک انسان بر انسان دیگر:** در قرآن کریم تقریباً ۲۹۰ آیه در مورد مبارزه با ظلم و دفاع از ستم‌دیدگان با صراحت بیان وارد شده است.^{۴۴}

از آیات قرآن کریم معلوم می‌شود که در اثر ظلم، عذاب الهی (از جمله فقر و قحطی) به‌طور عموم همگان را فرا می‌گیرد: ﴿وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾^{۴۵}

همچنان در حدیث شریف به شدت از ظلم نهی شده است: ﴿اتَّقُوا الظُّلْمَ، فَإِنَّ الظُّلْمَ ظَلَمَاتٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ...﴾؛ از ظلم خود داری کنید؛ زیرا که یک ظلم در دنیا سبب تاریکی‌های زیادی در آخرت می‌شود...^{۴۶}

ظلم به‌عنوان یک گناه نیز عامل فقر تلقی می‌شود، همان‌گونه که قبلاً ذکر شد. هم‌چنان از این ناحیه که فقط به ظاهر ظالم است که در ابعاد مالی، دست به استعمار می‌زند و ظاهراً شخص ثروتمند می‌شود؛ اما بقیه افراد که تحت ظلم او قرار می‌گیرند، دچار فقر می‌شوند. داستان ظلم برادران یوسف علیه السلام بر یوسف علیه السلام و سپس دچار شدن آنان به فقر و قحطی و محتاج شدن شان به حضرت یوسف علیه السلام، در قرآن کریم معروف است.

متأسفانه در کشور ما چه ظلم‌هایی که صورت نگرفت و چه حق تلفی‌هایی که به حق دیگران روا دانسته نشد!

۸.۲. **عدم توجه به نهادهای دینی فقرزدا:** ما در اسلام علاوه بر صدقات واجبی (مانند عشر و زکات) که مصارف آن مشخص است، نهادهایی داریم که غیر فعال بودن همچو نهادها، مشکل فقر را نه تنها کنترل و مهار نمی‌کند؛ بلکه هر روز ب‌ه‌شمار فقرا افزوده می‌شود. مانند نهاد تکافل اجتماعی، نهاد وقف، یا نهاد قرض الحسنه و... متأسفانه که همچو نهادها در افغانستان فعال نمی‌باشد که این در کنار سایر عوامل، به‌عنوان عامل فقر عرض وجود نموده است؛ زیرا ما معتقدیم آنچه را که شارع حکیم برای بشر تجویز نموده است، انجام دادن و توجه نمودن بدان به خیر و مصلحت بشر می‌باشد (از جمله نهادهای فوق‌الذکر) و از آنچه که نهی فرموده است، انجام دادن آن به ضرر محض بشر می‌باشد.

نقش زکات، نهاد وقف و نهادهای مشابه آن (تکافل اجتماعی، قرض الحسنه و...) در کاهش فقر واضح و روشن می‌باشد.

این در حالی است که صحابه کرام، به‌ویژه خلیفه اول اسلام؛ حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه اهمیت زکات در اسلام و نقش آن در کاهش فقر در جامعه را به خوبی درک نموده بود که حتی منکرین آنرا مرتد قلمداد نموده و اقدام به جهاد در برابر ممانعین زکات نمود.

هرچند مردم ما از لحاظ عقیدوی قایل به فرضیت زکات هستند؛ اما در عمل خیلی از مردمان حاضر به پرداخت آن نیستند، اگر برخی هستند، متأسفانه نهادی وجود ندارد که امور زکات و وقف، تکافل و... را سروسامان بخشد و فقرا را به گونه‌ی درست و منظم، تشخیص و فهرست کند و بعد از آن به گونه‌ی سازمان‌یافته به این مشکل رسیدگی کند.

۹.۲. **در نظر نگرفتن اصل توازن در عواید و مصارف:** واضح است که دین اسلام، دین اعتدال در همه ابعاد حیات بشر می‌باشد که از آن جمله بعد اقتصادی وی است. لذا در کنار آن که قرآن کریم این امت را به امت «وسط» توصیف نموده است: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا﴾^{۴۷} بارها به اعتدال در مصارف و هزینه‌ها تأکید نموده است: ﴿وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَحْسُورًا﴾^{۴۸} و این صفت را از نشانه‌های بندگان خاص خویش (عباد الرحمن) قلمداد نموده است: ﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾^{۴۹}

این در حالی است که اسراف و تبذیر به نص قرآن کریم، ممنوع می‌باشد و پروردگار محبت فراوان خویش را از اسراف‌گران دریغ داشته و تبذیرگران را برادران شیاطین خوانده است.^{۵۰}

^{۴۴}. حسین بن محمد دامغانی، قاموس قرآن (تهران: بنیاد علوم اسلامی، ۱۳۶۱ ه.ش)، ۷۷/۲.

^{۴۵}. الأنفال/۸.

^{۴۶}. نیشاپوری، صحیح مسلم، "تحريم الظلم"، ۱۵ (۲۵۷۸).

^{۴۷}. البقره/۲/۱۴۳.

^{۴۸}. الإسراء/۱۷/۲۹.

^{۴۹}. الفرقان/۲۵/۶۷.

^{۵۰}. الأعراف/۷/۳۱؛ الإسراء/۱۷/۲۷.

علاوه بر آن که در قرآن کریم، از مال به عنوان مایه زندگی اقتصادی بشر (قوام) یاد آوری شده است: ﴿وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا﴾^{۵۱}؛ به کم خردان اموال تان را تحویل ندهید؛ چرا که خداوند اموال را برایتان قوام زندگی گردانده است. در احادیث هم به صراحت از ضیاع مال نهی شده است. «... وَأَنْهَاكُمُ عَنْ قِيلٍ وَقَالَ وَكَثْرَةَ السُّؤَالِ وَإِضَاعَةَ الْمَالِ...» و شما را از سخنان بی جا و سؤالات بی مورد و ضایع نمودن مال نهی می کند.^{۵۲}

با توجه به احادیث آن حضرت صلی الله علیه وسلم، در می یابیم که حتی وسایل اضافی خریدن برای خانه هم امر مذموم تلقی شده است؛ طوری که در روایت صحیحی چنین آمده است: [فِرَاشٌ لِلرَّجُلِ، وَفِرَاشٌ لِامْرَأَتِهِ، وَالثَّلَاثُ لِلضَّيْفِ، وَالرَّابِعُ لِلشَّيْطَانِ]؛ یک بستره برای مرد و یکی برای زن و سومی برای مهمان و چهارمی (علاوه بر موارد ضرورت) از شیطان است.^{۵۳}

با توجه به این که آگاهی و اطلاعات جمعی نسبت به مسائل اقتصادی در جامعه ما پایین است، خیلی ها بدون این که توان سنجش میزان عواید و مصارف خویش را داشته باشند، دست به ولخرجی و مصارف بی مورد می زنند و گاهی در اثر یک رقابت ناسالم با سرمایه داران اسراف گر و تبذیر گرا، خود را به دست خود زیر خط فقر قرار می دهند.^{۵۴}

از مثال های محسوس و ملموس عدم توازن میان عواید و مصارف هموطنان ما، خرج های بی رویه و بی حساب و کتاب در مراسم عروسی و عزاداری و نیز استفاده بی رویه و بیجا از گوشی های همراه می باشد.

تقریباً دو دهه می شود که دربخش مخابرات و تکنالوجی معلوماتی در کشور تغییرات چشمگیر صورت گرفته است و تقریباً بیش از دو ثلث نفوس افغانستان از گوشی استفاده می کنند.

۲. ۱۰. نبود برنامه منظم در مورد کاهش فقر: واقعیت امر این است که آمار بلند و بالای فقر برای نظام کنونی افغانستان از حکومت ها و سال های گذشته به میراث بد باقی مانده است؛ زیرا در ۲۰ سال گذشته علی رغم سرازیر شدن کمک های فراوان به کشور، حکومت برنامه جامع ملی ای را جهت کاهش فقر روی دست نگرفت؛ بلکه اکثراً اگر کاری هم می شد، کار گذرا و موقت بود، نه کاری مبتنی بر برنامه قوی و استراتژیک و به اصطلاح عامیانه «کلوخ را در آب گذاشتن و از آن رد شدن» بود؛ لذا فابریکات و شرکت ها و کارخانه های بزرگ تأسیس نشد و نه روی اقتصاد پایدار کاری صورت گرفت و نه به قدر لازم و کافی سدهای آبی بزرگ طراحی و ساخته شد (بجز چند بند آبی ای که طرح و حتی شروع کار آن در زمان سردار محمد داودخان و حتی قبل از آن صورت گرفته بود). اکثراً پول های صرف حرفه های کاذبی شد که گذرا و موقتی بودند. این کار سبب بلند رفتن آمار بیکاری در کشور شد و در نتیجه خیلی از جوانان دل به دریا زده، راهی کشورهای خارجی شدند که از جمله این طیف جوانان، بسا از آنان در دریاها غرق و طعمه نهنگ ها شدند و کسانی که هم ماندند، عده ای از آنان دست به چور و چپاول و غضب و دزدی زدند و می زنند و عده ای هم جذب باندهای مافیایی ای شدند که طی برنامه های از قبل پلان شده دست به اختطاف و دزدی های سازمان یافته می زنند و یا هم می زنند.

قرآن کریم هم در موارد متعدد از جمله در سوره قریش از رابطه تنگاتنگ میان غنمندی و امنیت و برعکس از رابطه تنگاتنگ میان فقر و بی امنی، سخن زده است: ﴿فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ (الَّذِي) الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ﴾^{۵۵}.

از نظر قرآن و سنت انسان مسلمان باید هم به گونه فردی و هم به عنوان متصدیان حکومت، دارای تخطيط و برنامه های متعددی، از جمله برنامه اقتصادی باشد و در میدان اقتصاد به عنوان مؤمنان قوی عرض اندام نمایند؛ زیرا خداوند متعال از یکسو به طلب روزی حلال - حتی بعد از فراغت از مهم ترین عبادت (نماز) - امر فرموده است ﴿...فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ...﴾^{۵۶} و پیامبر صلی الله علیه و سلم

۵۱. النساء ۵/۴.

۵۲. ابن حبان محمد البستی، صحیح ابن حبان، تخریج و تعلیق، شعیب الأرنؤوط (بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۸ هـ ش)، «ذکر الأخبار»، ۱۳ (۵۷۱۹).

۵۳. مسلم نیشاپوری، صحیح مسلم، «کراهة ما زاد علی الحاجة من الفرائش والباس»، ۸۰ (۲۰۸۴).

۵۴. بر احوال آن مرد باید گریست - که دخلش بود نوزده و خرج بیست.

۵۵. القریش ۴-۳/۱۰۶.

۵۶. الجمعة ۱۰/۶۲.

مؤمن قوی را نزد الله متعال محبوب تر و بهتر معرفی نموده است: **الْمُؤْمِنُ الْقَوِيُّ، خَيْرٌ وَأَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِ الضَّعِيفِ، وَفِي كُلِّ خَيْرٍ آخِرُ حَرْصٍ عَلَى مَا يَنْفَعُكَ، وَأَسْتَعِينُ بِاللَّهِ وَلَا تَعْجِزْ، وَإِنْ أَصَابَكَ شَيْءٌ، فَلَا تَقُلْ لَوْ أَنِّي فَعَلْتُ كَذَا وَكَذَا، وَلَكِنْ قُلْ قَدَرُ اللَّهِ وَمَا شَاءَ فَعَلَ، فَإِنْ لَوْ تَفْتَحُ عَمَلَ الشَّيْطَانِ؛** مؤمن قوی نزد خدا بهتر و محبوبتر از مؤمن ضعیف است و در هر کار خیری نهفته است. برای آنچه سودت می رساند تلاش کن و از خدا یاری جوی و درمانده مباش و اگر چیزی به تو رسید نگو: اگر فلان کار را انجام دادی، چنان و چنان می شد! اما بگو: خدا مقدر کرد و آنچه خواست انجام داد؛ زیرا اگر گفتن ها دروازه کار شیطان را باز می کند^{۵۷} و نیز فرموده است که: **الْيَدُ الْعَلْيَا خَيْرٌ مِنَ الْيَدِ السُّفْلَى، وَالْيَدُ الْعَلْيَا الْمُنْفِقَةُ، وَالسُّفْلَى السَّائِلَةُ؛** دست بالا بهتر است از دست پایین، دست بالا همان بخشنده است و دست پایین سؤال گر است.^{۵۸}

این همه ایجاب یک برنامه ریزی منظم را می کند.

در سیره انبیای الهی، برنامه های اقتصادی به چشم می خورد، از جمله می توان از برنامه اقتصادی حضرت یوسف علیه السلام در زمان قحطی مصر، یاد نمود.^{۵۹}

عملکرد پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم و استفاده بهینه ایشان از پلان و برنامه ریزی از هجرت گرفته؛ تا تأسیس مراکز دینی و تشکیل دولت اسلامی و... در سیره آن حضرت معروف است.

۱۱.۲. عدم سرمایه گذاری بر خرد و عقل انسانی: امروز روشن است که تنها منابع طبیعی، سرمایه یک ملت و کشور محسوب نمی شود؛ بلکه نیروی بشری به مراتب بهتر و قوی تر از منابع طبیعی برای ثروتمند شدن ملت و دولت محسوب می گردد. ما امروز می بینیم که بسا از والدین و خانواده ها، فرزندان شان را به جای فرستادن به مکتب و مدرسه و مراکز آموزشی و علمی، به کارهای شاقه با درآمد ناچیز مصروف ساخته اند که نتیجه مقطوع آن، اضافه شدن تعداد کثیری از نوجوانان و جوانان به جمع فقرا و دزدان و خرابکاران حرفی ای می باشد و یا حکومت ها معمولاً بر موارد موقتی کاهش فقر کار کرده اند، نه بر خرد و عقول بشری. این در حالی است که قرآن سراسر بر عقل و خرد انسانی و استفاده بهینه از این نعمت بی بدیل الهی، تأکید فراوانی نموده است که ذکر آن آیات به طول می انجامد^{۶۰} و از نگاه سنت، انسان ها فاقد استعداد نبوده؛ بلکه هر کس به اندازه ای که خداوند برای وی لایق دیده است، استعداد دارد؛ استعداد برخی طلایی و از برخی نقره ای می باشد.^{۶۱}

یکی از مصادیق عدم توجه به سرمایه گذاری بر خرد و عقل انسانی در کشور ما، می توان نبود یا کمبود مراکز آموزش های فنی و حرفه ای کافی در کنار مؤسسات تحصیلات عالی و پوهنتون ها، در کشور دانست. به این معنا که با توجه به محدود بودن ظرفیت جذب در تحصیلات عالی، از هزاران تن فارغان مکاتب، بجز تعداد محدودی که جذب تحصیلات عالی می شوند، بقیه همه یا به پوهنتون های خصوصی روی می آورند (آن هم بدون رویه و بدون توجه به بازار کار؛ لذا برخی رشته ها به قدر کافی فارغ می دهد و در برخی رشته ها اصلاً فراغت وجود ندارد) و عده ای هم راهی کشورهای خارجی می شوند، عده ای هم به کارهای غیر مسلکی و یا پیشه قدیمی زراعت روی می آورند و برخی هم جذب باندهای مافیایی می شوند.

متأسفانه اکثر پول های ترمیمات ماشین ها به جیب مهندسان و اشخاص فنی بیرونی واریز می گردد و در مقابل اهل شرکت و مالکان ماشین های صنعتی مجبوراند؛ تا همچو هزینه ها را بر تولیدات شان اضافه کنند که خود سبب افزایش قیمت ها در بازار می شود و به نحوی فقر را گسترش می دهد.

^{۵۷}. مسلم نیشاپوری، صحیح مسلم، "القدر"، ۳۴ (۲۶۶۴).

^{۵۸}. بخاری، صحیح البخاری، "زکات"، ۱۸ (۱۴۲۷ هـ ق)؛ مسلم نیشاپوری، صحیح مسلم، "زکات"، ۹۴ (۱۰۳۳).

^{۵۹}. یوسف ۴۷/۱۲.

^{۶۰}. برای مثال نگاه شود به: البقره ۲۴۲/۲-۲۶۹؛ آل عمران ۱۹۰/۳ و الأنفال ۲۲/۸.

^{۶۱}. مسلم نیشاپوری، صحیح مسلم، "البر، والصلة والآداب"، ۱۶۰ (۲۶۳۸).

این در حالی است که در قرآن و سنت به طور عموم به فراگیری علوم مفیده و سودمند تأکید شده است که فقط به این آیت اکتفا می‌شود: ﴿... قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ...﴾^{۶۲} ما در قرآن و سنت، اصلی به نام «تعاون» و «اخوت» داریم. واضح است که همکاری در این راستا، در حقیقت عمل به آیه ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى﴾^{۶۳} می‌باشد.

آری، چگونه می‌توان جوانان را در وضعیت بد اقتصادی و در بی‌آن، دربدر و بی‌روزگار دید و حسّ اخوت اسلامی تحریک نشود! در حالی که پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: ﴿مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ، وَتَرَاحِمِهِمْ، وَتَعَاطُفِهِمْ مَثَلُ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عُضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالسَّهَرِ وَالْحُمَّى﴾؛ مَثَلِ مُؤْمِنَانِ فِي مَحَبَّةٍ وَ مَهْرَبَانِيَّةٍ وَ شَفَقَةٍ وَ هَمْدَرْدِيَّةٍ مُتَقَابِلَةٍ، مَانِدٌ يَكُ يَبْكِرُ اسْتِ؛ اگر عضوی از آن از بیماری شکایت کند، بقیه اعضای بدن را با بی‌خوابی و تب به سوی وی فرا می‌خواند.^{۶۴}

۱۲.۲. عدم سپردن کار به اهل آن در پُست‌های مسلکی و اقتصادی: در قرآن کریم تأکید بر سپردن کار به اهل آن شده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا﴾^{۶۵} و در حدیث هم، وظیفه امانت خوانده شده است، همان‌گونه که در داستان ابوذری رضی الله عنه آمده است: «إِنَّا أَبَا ذَرٍّ، إِنَّكَ ضَعِيفٌ، وَإِنَّهَا أَمَانَةٌ، وَإِنَّهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ خَزِيٌّ وَنِدَامَةٌ، إِلَّا مَنْ أَخَذَهَا بِحَقِّهَا، وَأَدَّى الَّذِي عَلَيْهِ فِيهَا؛ ای ابوذری! تو ضعیف هستی و این (وظیفه و پُست) امانت است و (در صورتی که به درستی انجام نیابد) در قیامت سبب رسوایی و پشیمانی می‌گردد؛ مگر این که شخص آنرا به حق متولی شود و آنچه بر وی باشد، آنرا به درستی ادا کند.»^{۶۶}

در برخی روایات در این مورد وعیدهای سختی وارد شده است، از جمله در روایتی چنین آمده است: «من ولي ذا قرابة محابة وهو يجد خيرا منه لم يجد رائحة الجنة؛ کسی که خویشاوند خود را بنابر طرفداری بر وظیفه‌ای بگمارد در حالی که بهتر از آن در این کار را می‌یابد، بوی بهشت را به مشام خویش نمی‌یابد.»^{۶۷}

به خاطر همین بود که خلفای راشدین از چنین تفرری‌ها اجتناب می‌نمودند؛ بلکه در این راستا ضوابط را بر روابط ترجیح می‌دادند که کتب سیرت و تاریخ اسلامی از این عملکردها و واقعات مشحون است.^{۶۸}

مقتضای عقل و نقل این است که در هر عرصه‌ای باید هر کار به اهل آن سپرده شود، در غیر آن، بر همان عرصه ضربه محکمی وارد می‌شود که طبق نص حدیث نبوی باید منتظر قیامت بود. بالخصوص اگر در عرصه‌های مناصب مسلکی و اقتصادی کار به اهل آن سپرده نشود، علاوه بر وارد شدن خلل در امور، ضربه سنگینی بر صاحبان علم و فن و اهل فضل (به‌ویژه اقتصاد دانان) وارد می‌شود و سبب کسر شأن و دل‌باختگی و همت-باختگی آنان و نیز خشکیدن استعدادها و منع رشد و بروز توانایی‌ها و در نتیجه عقب ماندگی دنیا و ذلت عقبی می‌شود و با این طریق زیانی‌های مختلفی از جمله زیان‌های اقتصادی‌ای بر امت اسلامی وارد می‌گردد که جز خدا کسی مقدار آنرا نمی‌داند و این در حقیقت برپا شدن قیامت بر آن مردمان خواهد بود.^{۶۹}

قلعی می‌گوید: «وظیفه و مسؤولیت شخص در حقیقت جامه‌ای اوست که اگر کوتاه‌تر از آن باشد، عورت وی برهنه می‌گردد و اگر دراز‌تر از او باشد، سبب لغزش وی می‌گردد.»^{۷۰}

۶۲. الزمر ۳۹/۹.

۶۳. المائدة ۲/۵.

۶۴. نیشاپوری، صحیح مسلم، «البر، والصلة والأدب»، ۶۶ (۲۵۸۶).

۶۵. النساء ۴/۵۸.

۶۶. نیشاپوری، صحیح مسلم، «الإمارة»، ۱۶ (۱۸۲۵).

۶۷. متقی هندی، کنز العمال فی سنن الأفعال والأفعال، «الإمارة»، الفصل الثاني، ۱۲ (۱۴۷۵۲).

۶۸. محمد یوسف کاندهلوی، حياة الصحابة (بيروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۰ هـ)، ۲ (۲۸۷)؛ محمد ابن سعد، الطبقات الكبرى (بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۱۰ هـ)، ۳ (۳۴۴-۳۴۱).

أحمد بن عبد الحلیم ابن تیمیة، السياسة الشرعية في إصلاح الراعي والرعية (المملكة العربية السعودية: وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد، ۱۴۱۸ هـ)، ۱۳-۱۴.

۶۹. عبد الله القادری، الكفاءة الإدارية في السياسة الشرعية (جدة: دار المجتمع، ۱۴۰۶ هـ)، ۱۵۱.

۷۰. محمد بن علی القعلی، تهذیب الریاسة وترتیب السياسة (الأردن: الزرقاء، مكتبة المنار، بی تا)، ۱۴۴.

۱۳.۲. زاد و ولد بی رویه و بی حساب و کتاب: یکی از اسباب فقر در کشور ما، فرزند آوردن بی رویه و بی حساب و کتاب و بدون در نظر داشت سطح عواید، به ویژه در قریه جات و ولایات کشور است که خود سبب پیوستن روزانه جمع کثیری از فقرا به کاروان فقرای پیشین کشور می شود و به چشم سر می بینیم که چند نسل همه به همین وضع در گذشته اند و می گذرند (فقیر این الفقیر این الفقیر...) این عمل ممکن انگیزه های متعددی داشته باشد، از جمله انگیزه اجتماعی؛ یعنی تهیه نیروی لازم جهت دفاع در برابر حریفان و دشمنان محیط و منطقه خود؛ زیرا هر کس فرزندان (بالخصوص پسران) زیاد داشته باشد، در قریه و منطقه حرف اول را می زند و کسی در برابر او قد علم نمی کند؛ اما گاهی این کار انگیزه دینی نیز دارد، مثلاً مردم از علما شنیده اند که پیامبر صلی الله علیه و سلم در حدیثی امت اسلامی را تشویق به نکاح زیاد و در نتیجه فرزند آوردن زیاد نموده است، طوری که آمده است: «تَنَاقَحُوا، تَكْتَرُوا، فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَّمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ...»؛ ازدواج کنید تا نسل تان زیاد شود؛ زیرا من در روز قیامت به کثرت شما بر دیگر امت ها افتخار می کنم.^{۷۱}

این در حالی است همه می دانیم که داشتن فرزندان بسیار که هم فقیر باشند و هم از نعمت تعلیم و تربیه محروم، مایه هیچ افتخاری برای پدر و مادر و اقوام شان نیستند؛ بلکه در دچار شدن به فقر و محروم ماندن از تعلیم و تربیه احیاناً مایه شرمساری شان می شوند؛ زیرا فقر پیامدهای ناگواری دارد که همه بر آن واقف هستیم.

از سویی دیگر اگر ما حدیث فوق را در کنار سایر احادیث، به ویژه مسؤلیت های والدین نسبت به تعلیم و تربیت فرزندان شان، بگذاریم، متوجه خواهیم شد، که هیچگاه پیامبر صلی الله علیه و سلم، طرفدار کثرت بی کیفیت امت خویش نبوده است، بلکه در برخی روایات آنرا مذمت نموده است، طوری که آمده است: «يُوشِكُ الْأُمَمُ أَنْ تَدَاعَى عَلَيْكُمْ كَمَا تَدَاعَى الْأَكَلَةُ إِلَى قَصْعَتِهَا»، فَقَالَ قَائِلٌ: وَمِنْ قَلِيلٍ نَحْنُ يَوْمِنَا؟ قَالَ: «بَلْ أَنْتُمْ يَوْمِنَا كَثِيرٌ، وَلَكِنَّكُمْ غَنَاءٌ كَغَنَاءِ السَّيْلِ، وَلَيَنْزِعَنَّ اللَّهُ مِنْ صُدُورِ عَدُوِّكُمْ الْمَهَابَةَ مِنْكُمْ، وَلَيَقْدِفَنَّ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمُ الْوَهْنَ». فَقَالَ قَائِلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا الْوَهْنُ؟ قَالَ: «حُبُّ الدُّنْيَا، وَكَرَاهِيَةُ الْمَوْتِ»؛ نزدیک است که امت های یکدیگر را از گوشه و کنار دنیا علیه شما چنان فریادخوانند، همانگونه که مردمان گرسنه یکدیگر را به سوی کاسه غذا فرا می خوانند. صحابه عرض کردند که یا رسول الله شاید به سبب کم بودن نفوس ما؟ آن حضرت صلی الله علیه و سلم فرمودند: نخیر، بلکه شما در آن وقت (از لحاظ کمیت جمعیت و نفوس) زیاد می باشید، همانند کف سیل دریا (از لحاظ کیفیت و بی تأثیر بودن در تصامیم و معادلات بزرگ جهانی)، خداوند رعب و هیبت شما از دل دشمنان تان بیرون می کند و در دل های شما وهن را قرار دهد، گفتند: وهن چیست؟ فرمود: "دوست داشتن دنیا و بد پنداشتن مرگ".^{۷۲}

این همان چیزیست که امروز به چشم سر در حق مردم مظلوم غزه و فلسطین می بینیم و امت میلیاردری توان دفاع از مظلومان و مستضعفان را در برابر رژیم کودک کش صهیونیسم ندارد.

آری، اگر در کشور ما در میدان زاد و ولد از «تنظیم نسل» کار گرفته شود، وضعیت به طور عموم، از جمله وضعیت اقتصادی بهبود خواهد یافت. به این معنا که والدین با توجه به وضعیت اقتصادی و فرصت های تعلیمی و تربیتی فرزندان شان، فاصله بین ولادت ها را مراعات کنند که در نتیجه از یکسو بر حالت اقتصادی شان تأثیر مثبت می نماید و از سوی دیگر والدین می توانند برنامه تعلیمی و تربیتی فرزندان شان را ب شکل درست تنظیم نمایند که در فرجام اشخاص نیک و با درایت و با کفایت تقدیم جامعه می شوند، به گونه ای که هر کدام گوشه از بار جامعه را بدوش می کشند، نه این که خود به بار دوش جامعه تبدیل شوند.

علما می دانند که در عصر پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم به «عزل» اجازه داده شده بود که خود یکی از برنامه های تنظیم نسل محسوب می گردد.

۱۴.۲. عدم رعایت صحت و بهداشت اولیه توسط مردم: یکی از اسباب فقر در کشور، نبود معلومات کافی نزد مردم در رابطه به رعایت اساسات صحتی و حفظ الصحة شخصی و یا عدم رعایت آن است.

۷۱. عبد الرزاق بن همام صنعاني، المصنف (المجلس العلمي - الهند: ۱۴۰۳ هـ)، "نکاح"، ۱۵ (۱۰۳۹۱).

۷۲. سليمان بن الأشعث سجستاني، سنن أبي داود (بيروت: المكتبة العصرية، بی تا)، "ملاحم" ۵ (۴۲۹۷).

عدم رعایت بهداشت و حفظ‌الصحه شخصی که ریشه در بی‌خبری و یا عدم‌اهتمام و عدم توجه جدی بابت مسائل نظافت و حفظ‌الصحه شخصی دارد که از مادر باردار شروع تا کودک و نوجوان و جوان و کلان‌سال و کهن‌سال همه را شامل می‌شود، یکی از عوامل فقر در جامعه ما شمرده می‌شود؛ زیرا هر گاه کسی نظافت را رعایت نکند، دچار بیماری‌های مختلف و حتی بیماری‌های مزمن می‌شود و واضح است که از یکسو با بیماری یک شخص در خانواده همه اعضای خانواده خود را بیمار احساس می‌کنند و از سویی دیگر گاهی این بی‌توجهی‌ها و عدم آگاهی‌ها سبب فلج شدن شخص می‌شود که این برای یک خانواده خیلی سنگین و گران تمام می‌شود و از طرف دیگر درمان بیماری‌ها نیاز به پول هنگفتی دارد که گاهی منجر به فروش خانه و کاشانه و زمین و سایر مملوکات شخص بیمار و یا وارث و اقربای وی می‌شود که نتیجه مقطوع آن، بیشتر از پیش دچار فقر شدن می‌باشد.

این در حالی است که قرآن کریم به موضوع صحت و بهداشت و نظافت توجه خاصی نموده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ﴾^{۳۳} و اصولاً می‌توان فلسفه تحریم خبائث را، توجه به حفظ صحت انسان‌ها دانست. طوری که قرآن کریم در بیان اوصاف پیامبر صلی الله علیه و سلم چنین می‌گوید: ﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ...﴾^{۳۴}؛ کسانی که پیروی می‌کنند از فرستاده (خدا محمد مصطفی) پیغمبر امی که (خواندن و نوشتن نمی‌داند و وصف او را) در تورات و انجیل نگاشته می‌یابند. او آنان را به کار نیک دستور می‌دهد و از کار زشت باز می‌دارد، و پاکیزه‌ها را برایشان حلال می‌نماید و ناپاک‌ها را بر آنان حرام می‌سازد.

متأسفانه که بسا از مردمان کشور ما در رابطه به صحت و نظافت و حفظ‌الصحه عمومی و شخصی، توجه چندانی نمی‌کنند و از این ناحیه مجبو به پرداخت هزینه‌های هنگفت جانی و مالی می‌شوند.

آری، نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و سلم از قبل چنین پیشگویی داشتند که بسا از مردمان در استفاده از نعمت «صحت» دچار زیان می‌شوند: ﴿نِعْمَتَانِ مَغْبُورٌ فِيهِمَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ الصِّحَّةُ وَالْفَرَاغُ﴾.^{۳۵}

چیز دیگری به این موضوع مرتبط است، عدم دسترسی یا دسترسی محدود مردم به آب آشامیدنی صحیح می‌باشد؛ زیرا در صورت عدم دسترسی یا دسترسی محدود به آب آشامیدنی صحیح، طبیعی است که استفاده از آب آشامیدنی غیر صحیح، باعث به وجود آمدن بیماری‌های مختلف می‌شود و روشن است که بیماری خود خواهان پرداخت هزینه‌های اندک و یا سنگین می‌باشد که در هر دو صورت، ضعف اقتصادی و فقر را در پی دارد.

^{۳۳}. البقرة ۲/۲۲۲.

^{۳۴}. الأعراف ۷/۱۵۷.

^{۳۵}. بخاری، "الرقاق" ۱، (۶۴۱۲).

نتیجه گیری

عوامل فقر در افغانستان از منظر قرآن و سنت یا در ارتباط انسان با خدا و یا با بنی نوع بشر و یا مربوط به اندیشه، اقوال و افعال خود انسان در مورد وی هستند. این عوامل به فطری و بشری قابل تقسیم است. مهم ترین عوامل فطری عبارت اند از: تفاوت فطری بین بشر در رزق و آزمایش الهی در عرصه نقص مال؛ مهم ترین عوامل بشری فقر در افغانستان از منظر قرآن و سنت عبارت اند از: ضعف دینی، معصیت و گناه، کفران و ناسپاسی در برابر نعمت های الهی، رباخواری، حکم بغیر ما أنزل الله، کسالت و تنبلی، ظلم و تعدی، عدم توجه به نهادهای دینی فقرزدا (مانند: نهاد وقف، تکافل اجتماعی، قرض الحسنه و...)، در نظر نگرفتن اصل توازن در عواید و مصارف، نبود برنامه منظم در مورد کاهش فقر (که این بیشتر به دولت ها بر می گردد)، عدم سرمایه گذاری بر خرد و عقل انسانی، عدم سپردن کار به اهل آن به ویژه در عرصه های اقتصادی و مالی، زاد و ولد بی رویه و بی حساب و کتاب و عدم رعایت صحت و نظافت در جامعه توسط برخی از اقشار جامعه.

فهرست منابع

قرآن کریم

- ترجمه قرآن کریم. خرم دل مصطفی. تهران: نشر احسان، ۱۳۹۴ هـ ش، چاپ ۱.
- ابن تیمیة، أحمد بن عبد الحلیم. *السیاسة الشرعية في إصلاح الراعي والرعية*. المملكة العربية السعودية: وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد، ۱۴۱۸ هـ ق، چاپ ۱.
- ابن حنبل، احمد بن محمد. *مسند احمد بن حنبل*. المحقق. شعيب أرنؤوط. بيروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۱ هـ ق، چاپ ۱.
- ابن سعد، محمد. *الطبقات الكبرى*. المحقق. محمد عبد القادر عطا. بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۱۰ هـ ق، چاپ ۱.
- ابن فارس، أحمد، معجم مقاييس اللغة. المحقق. عبد السلام محمد هارون. بيروت: دار الفكر، ۱۳۹۹ هـ ق، چاپ ۱.
- بخاری، محمد بن اسماعیل. *صحیح البخاری* (الجامع المسند الصحیح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه). المحقق. محمد زهير بن ناصر الناصر. بيروت: دار طوق النجاة، ۱۴۲۲ هـ ق، چاپ ۱.
- البستی محمد بن حبان. *صحیح ابن حبان*. تحقیق. شعيب الأرنؤوط. بيروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۸ هـ ق، چاپ ۱.
- بوشامة، مصطفى. حواس، مولود. "معالجة مشكلة الفقر من منظور الاقتصاد الإسلامي". *المجلة الجزائرية للعلوم والسياسات الاقتصادية* ۱ (۲۰۱۰ م): ۱۹۰-۱۶۷.
- بیهقی، أحمد بن الحسين بن علي. *السنن الكبرى وفي ذيله الجوهر النقي*. هند: حيدر آباد، مجلس دائرة المعارف النظامية، ۱۳۴۴ هـ ق، چاپ ۱.
- بیهقی، أحمد بن الحسين بن علي. *شعب الإيمان*. تحقيق وتخریج. الدكتور عبد العلي عبد الحميد حامد و مختار أحمد الندوي. رياض: مكتبة الرشد للنشر والتوزيع، ۱۴۲۳ هـ ق، چاپ ۱.
- ترمذی، أبو عیسی محمد بن عیسی. *سنن الترمذی*. مصر: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي، ۱۳۹۵ هـ ق، چاپ ۲.
- الجزيري، عبد الرحمن بن محمد عوض. *الفقه على المذاهب الأربعة*. بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۲۴ هـ ق، چاپ ۲.
- حسين بن محمد، دامغانی. *قاموس قرآن*. تهران: بنیاد علوم اسلامی، ۱۳۶۱ هـ ش، چاپ ۱.
- دهلوی، أحمد بن عبد الرحيم المعروف بـ «ولي الله الدهلوي»، *الفوز الكبير في أصول التفسير*. تعريب من الفارسية: سلمان الحسيني الندوي. قاهرة: دار الصحوة، ۱۴۰۷ هـ ق، چاپ ۲.
- الرازي، محمد بن عمر الملقب بفخر الدين الرازي. *مفاتيح الغيب = التفسير الكبير*. بيروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۴۲۰ هـ ق، چاپ ۳.
- راغفر، حسين. ابراهيمي، زهرا. *تقرر در ايران طی سال های ۱۳۸۳-۱۳۶۸*. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی ۲۴ (۱۳۸۶ هـ ش): ۵۵-۸۲.
- رضا صاحب، أبو حمد. *الخطوط الكبرى في الاقتصاد الإسلامي*. عمان: دار مجدالوي، ۱۴۱۶ هـ ق، چاپ ۱.
- سجستاني، أبو داود. سليمان بن الأشعث. *سنن أبي داود*. المحقق. محمد محيي الدين عبد الحميد. بيروت: المكتبة العصرية، بی تا.
- شافعي، محمد زكي. *التمية الاقتصادية*. قاهرة: دار النهضة العربية، ۱۹۹۸ م، چاپ ۱.
- الشنقيطي، محمد الأمين. *أضواء البيان في إيضاح القرآن بالقرآن*. بيروت: دار الفكر، ۱۴۱۵ هـ ق، چاپ ۱.
- صنعاني، أبو بكر. عبد الرزاق بن همام. *المصنف*. المحقق. حبيب الرحمن الأعظمي. هند: المجلس العلمي، ۱۴۰۳ هـ ق، چاپ ۲.
- طبرانی، سليمان بن أحمد. *المعجم الكبير*. عراق، موصل: مكتبة العلوم والحكم، ۱۴۰۴ هـ ق، چاپ ۲.
- القادری، عبد الله. *الكفاءة الإدارية في السياسة الشرعية*. جدة: دار المجتمع للنشر والتوزيع، ۱۴۰۶ هـ ق، چاپ ۱.
- قزوینی، ابن ماجه. محمد بن يزيد. *سنن ابن ماجه*، المحقق. محمد فؤاد عبد الباقي. بيروت: دار إحياء الكتب العربية، بی تا.
- القعلی، أبو عبد الله. محمد بن علی. *تهذيب الرئاسة وترتيب السياسة*. اردن: الزرقاء، مكتبة المنار، بی تا، چاپ ۱.
- كاندهلوي، محمد يوسف بن محمد إلياس. *حياة الصحابة*. تحقيق. دكتور بشار عواد معروف. بيروت: مؤسسة الرسالة للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۴۲۰ هـ ق چاپ ۱.
- متقي هندي، علاء الدين علي بن حسام الدين. *كنز العمال في سنن الأفعال والأفعال*. تحقيق. بكري حياي - صفوة السقا. بيروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۱ هـ ق، چاپ اول.